ویژگی‌های زیبایی‌شناختی نگاره‌های پرنده در هنر سلجوقی

راضیه هندی *
دکتر خشایار قاضی زاده **

تاریخ دریافت مقاله: ۸ / ۱۲ /۱۳۹۰
تاریخ پذیرش مقاله: ۲۷ /۲ /۱۳۹۱

چکیده: نقوش تزئینی در هنر ایران از بعد طراحی و مضمون، حاملان با ارزش رازهای فرهنگ ایرانی محسوب می‌شوند. از نقوشی که همواره مورد توجه بوده و حتی با تغییر آیین‌ها استفاده از آن تداوم یافته، پرندگان و موجودات بالدار اساطیری است که در غالب دوره‌های هنری ایران، به ویژه هنر تصویرگری دورهٔ سلجوقی از جایگاه مهمی برخوردار است و به دلیل جذابیت‌های ویژه‌اش همواره مورد توجه هنرمندان و پژوهشگران قرار داشته و دارد. پژوهش حاضر با هدف شناسایی جنبه‌های زیباشناختی و عناصر دیداری نگاره‌های پرنده در هنر سلجوقی با تمرکز بر عناصر دیداری مربوط به آنها (نظیر: خط، شکل، رنگ، بافت، ترکیب بندی، زاویهٔ دید، محتوای اثر، بیان داستانی و پی آیند تصاویر) انجام گرفته است تا جنبه‌های پنهان عناصر دیداری تصویر سازی این هنر و ظرافت‌های مربوط به آن آشکار گردد. شیوهٔ تحقیق توصیفی تحلیلی برپایه مطالعات کتابخانه‌ای می‌باشد و تجزیه و تحلیل بصری نقوش و آنالیز آثار به روش توصیفی و تحلیل محتوا با دیدگاهی نمادپردازانه و تصویرسازانه صورت پذیرفته است. بررسی‌ها نشان می‌دهند؛ نقوش پرنده در هنر سلجوقی جنبه‌های زیباشناسی خاص خود را در نوعی ساده‌سازی و بیان هندسی ارائه می‌کند؛ بطوریکه عناصر بصری در ترکیب با هم نشان از خصوصیات و ظرافت‌های هنری درونگرا و بی‌پیرایه دارد. در این هنر رنگ‌ها غنی و قوی، نقش‌ها از کیفیتی اسطوره‌ای و حماسی برخوردار می‌باشند، خطوط محکم و در عین حال با نرمی و قوس ملایم دیده می‌شوند، که این حاکی از افزایش غنای سنت هنر تزئین و پرمایگی آن می‌باشد. از ویژگی‌های دیگر هنر این دوره پیچیده‌تر شدن نقشمایه‌ها و ترکیب‌بندی نگاره‌های پرندگان از نمای سه رخ یا ترکیب نمای نیم رخ و روبرو است.

واژگان کلیدی: نگارهٔ پرنده، روایت گری تصویری، هنر سلجوقی

مقدمه

سلجوقیان ترکان غز بودند که برای تصرف زمین‌های حاصل‌خیز از ماوراءالنهر به کشور ایران آمدند و بزودی با فتوحات خود توانستند علاوه بر ایران آسیای صغیر را نیز به تصرف در آورند. بدین ترتیب در آغاز قرن پنجم سلسلهٔ ترکان سلجوقی تأسیس شد. سلاجقه بعد از به قدرت رسیدن و گسترش دادن امپراطوری خویش در ایران، آسیای صغیر، ماوراءالنهر و عراق، پیوسته حامی و مروج هنرمندان و صنایع و فنون منطقه بودند. در این دوره به دلیل حمایت‌های گسترده سلاطین سبک و روش خاصی در هنرها و صنایع ایجاد شد که بعدها نیز با همین نام (سبک سلجوقی) معروف گردید. سبک سلجوقی دارای ویژگی‌های خاصی بود از جمله عظمت و بزرگی و بلندی بناها، تزئینات خاص حیوانی و تقلید از نقوش طبیعی و استفاده از تزئینات و نقوش برجسته بر سطح غالب مصنوعات دستی و همینطور در بنای ساختمان ها هنرها و ابداعات زیادی مربوط به این دوران در کتب تاریخی ثبت شده است (طبری، ۱۳۵۶).

محققان و ایران‌شناسان سلسلهٔ سلجوقی را یکی از افتخارات ایران در زمینهٔ اقسام گوناگون هنر ذکر نموده‌اند. شکوفایی هنرها در این دوره همچنین مدیون آرامش و ثبات سیاسی قلمرو سلجوقیان است که در آن هنرمندان توانستند آثار متعددی به وجود آورند. همچنین وجود وزیری دانشمند چون خواجه نظام الملک در دستگاه حکومتی سلجوقیان، باعث رونق صنایع و فنون شد. وی مدارس زیادی در شهرهای بغداد، نیشابور، مرو، ری و جرجان تأسیس کرد. تقریباً از همین زمان بود که مدارس از مساجد جدا می‌شدند. مدارسی که در زمان صدارت خواجه نظام‌الملک به وجود آمد اغلب چهار ایوانی است. دوره ی سلجوقیان از نظر ادبی نیز اهمیت خاصی دارد؛ شاعران بزرگی چون ناصرخسرو، خیام و خاقانی به این دوره تعلق دارند (لمبتن، ۱۳۸۰).

هنر ایرانی در عهد سلجوقیان اگرچه دنباله‌رو هنر غزنوی و سامانیان است؛ ولی رشته‌های گوناگون هنری در این دوره موفق به خلق آثار بدیعی شدند. یکی از این شاخه‌ها تصویرگری بود،اگر چه نگاره‌های زیادی از این عهد

* **نویسندهٔ مسئول:** کارشناس ارشد تصویرسازی، دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد، واحد تهران مرکز. ladan.hendi@gmail.com
** دکتری پژوهش هنر، استادیار دانشکده هنر دانشگاه شاهد. ghazizadeh@yahoo.comKhashayar

Archive of SID
www.SID.ir

برجای نمانده است ولی آثار برجامانده از رونق تصویرگری در این دوران حکایت می‌کند. ویژگی برجستهٔ نقاشی عهد سلجوقی تداوم سنت نگارگری مانی و بودایی بود که در آن صورت‌ها تمام‌رخ و گرد ترسیم گشته و چشم‌ها حالت مورّب داشت. نقاشان آن روزگار برای رسم نقش گیاهان و جانوران و مناظر از شیوهٔ خطی استفاده می‌کردند و رنگ‌های مورد استفاده در آن دوره بیشتر آبی آسمانی، آبی فیروزه‌ای، سبزو بنفش بود. اوج هنر ایران در این دوره در سفالگری پدیدار گشت. سفالگران دورهٔ سلجوقی با بهره‌گیری از استعداد خود آثار فراوانی را بر جای گذاشتند که این اشیاء از پیشرفت‌های هنری آن‌دوره سخن می‌گویند. سفالگران سلجوقی در ساخت ظروف لوکس و تجملی اعم از ظروف جلادار و ظروف مینایی با نقوش و رنگ‌های مختلف (نقوش هفت رنگ) تبحر و تسلط خاصی داشتند. آنان طی چند مرحله و با زحمت و مشقت فراوان ظروف خام را ساخته و با رنگ‌های آبی، سبز و بنفش مزین می‌ساختند و سپس در کوره می‌گذاشتند. در مرحلهٔ بعد پس از بیرون آوردن از کوره خطوطی پیرامون ظروف نقش می‌کردند که با جزئیات فراوانی همراه بود و پس از نقاشی و رنگ‌کاری مجدد و لعاب‌گذاری برای دومین بار ظروف را در کوره‌ها قرار می‌دادند. نقاشی ظروف که با کمک رنگ‌ها و لعاب صیقلی صورت می‌گرفت به این ظرف‌ها زیبایی خیره‌کننده‌ای می‌بخشید و گاهی نیز هنرمندان اشعاری از حکیم عمر خیام و نظامی گنجوی را با مهارت فوق‌العاده بر پیکرهٔ کوزه‌ها نقش می‌نمودند. ظروفی که با لعاب ابلق و لعاب صیقلی اعلایی مزین می‌شدند به ویژه دارای ارزش و اعتبار هنری زیادی بودند. ابداع نوع جدیدی از سفال به نام گبری که از زیباترین و اصیل ترین نمونه‌های صنعت سفال ایران محسوب می‌شود. در این تکنیک نقوش بر دیوارهٔ خارجی ظروف کنده شده و زمینهٔ آن نیز با شاخه و برگ و گل تزئین شده است و همراه آن اشکال هندسی، اشکال حیوانی و پرندگان که با مهارت و زیبائی خاصی حک شده است. این تزئینات نقوش برجسته و ممتاز فلزات دورهٔ ساسانی را تداعی می‌کند (بازورث، ۱۳۸۰).

فلزکاری دیگر شاخهٔ هنری مهم روزگار سلجوقی بود. این هنر تحت تأثیر فلزکاری دورهٔ ساسانیان به پیشرفت والایی نایل آمد به گونه‌ای که محققان و باستان‌شناسان اشیاء فلزی سلجوقی را بسیار هنرمندانه و ظریف خوانده‌اند. در عهد سلجوقیان آثار فلزی و مفرغی هویتی مستقل یافتند و به شکوفایی رسیدند که این پیشرفت بیشتر در ظروف مختلف، شمعدانی، صندوقچه‌های منقور، کاسه و پارچ و بشقاب و لوازم تزئینی همچون قاب آئینه مشهود و بارز بود. از مصنوعات فلزی زیبای آن دوره که بسیاری در طی حفریات باستان‌شناسی در نیشابور، هرات و اصفهان یافت شده‌اند می‌توان به بخوردان‌های گوناگون به شکل شیر و مرغ اشاره کرد که با ظرافت کنده‌کاری شده‌اند و بر طبق آداب و رسوم آن زمان نقش پرندگان گوناگون نیز در اطراف این اشیاء نقش گشته‌اند. ترصیع مسی قرمز رنگ و نقرهٔ سفید بر روی ظروف برنزی و برنجی از شایسته‌ترین و جالب‌ترین موفقیت‌های فلزکاران دوره سلجوقی است (پاکباز، ۱۳۸۶).

هنر نساجی و پارچه‌بافی نیز در عهد سلجوقیان رونق داشت و آثار باقیمانده طرح‌های عالی و مهارت فنی بافندگان سلجوقی را نشان می‌دهد. بافندگان آن دوره در اوایل طرح‌های ساده‌ای را بصورت کلی‌اجرا می‌کردند ولی بتدریج به نقشه‌های پیچیده و ظریف روی‌آوردند. در این دوره پارچه‌های دو رو و اطلس نیز معمول گشت و بافت شطرنجی یک در میان و دولا بسیار رایج و متداول بود. طرح پارچه‌های سلجوقی از روی علائم سلطنتی و خانوادگی یا سنن هنری قدیم یعنی عقاب‌های دو سر، طاووس، شیر و شیر بالدار با کله‌عقاب‌در واحدهای مدور، حاشیه، ترنج و هشت‌گوش تکرار می‌شدند. پارچهٔ ابریشمی معروف به پارچهٔ اردک نمونهٔ عالی نساجی این دوره است که خطوط کوفی آبی‌رنگ و گل‌های بیضی زرد آن را احاطه کرده‌اند (دادور، ۱۳۸۶).

قواعد تصویری هنر سلجوقی

با بررسی نقوش بدست آمده از هنر دوران سلجوقی اینگونه استنباط می‌شود که این دوران در زمینه‌های سفالگری، پارچه‌بافی، فلز کاری به اوج شکوفایی رسیده و هنرمندان آن دوره با استفاده از قواعد و اسلوب‌های خاص به طراحی و نقش‌پردازی آثار هنری خود پرداخته‌اند. در این دوره مخصوصاً در فلز کاری و سفالگری، تصاویر جدیدی روی ظروف رواج یافت و بعدها از اقبال عامه برخوردار شد؛ اما پیشرفت اصلی هنر در نوع شکل‌ها نبود، بلکه در غنای خارق‌العاده طرح‌های تزیینی و نقشمایه‌های شاخص آنها بود. کاربرد بعضی عناصر جاافتاده تزئینی ادامه یافت ولی از حیث جزئیات پرداخت کامل شد و نیز از نظر ترکیب بندی بسیار پیچیده و مرکب گردید. طرح‌های رایج بیشتر انتزاعی بودند به طوری که کاهش نگاره‌ها و نقشمایه‌های گیاهی گواه این موضوع است.

کاربرد جزئیات شاخ و برگ مضامین، محدود شد. به ویژه طرح‌های پیکره حیوانات و موجودات انسانی بر غنای سه قالب سنتی و کهن تزیین یعنی طرح‌های انتزاعی گیاهی،

Archive of SID

www.SID.ir

پیکربندی‌های هندسی و کتیبه‌نگاری‌ها افزود، ضمن اینکه نقش‌پردازی‌های به نسبت خشک قبلی راه را برای پیکره‌های رسمی و طبیعت گرا گشود (کاتلی و دیگران، ۱۳۷۶).

در روزگار سلجوقی اکثر نقشمایه‌های تزئینی بودند و در آنها مفاهیم شمایل نگاشتی و حتی نمادگرایی حساب شده و سنجیده به طور کامل رعایت می‌شد. هنگامی که دربارهای سلجوقیان و دولت‌های کوچک جانشین آنها منابع اصلی حمایت را تدارک می‌کردند، طبیعی بود که مضامین عمده تزیینی را جلوه‌های مختلف حاکمیت و سلطنت تشکیل می‌دهند مثل: حاکم جلوس کرده بر تخت سلطنت همراه ملازمان خود، شکارگاه سلطنتی و قهرمان خوشگذران. از نقشمایه های مکرر دیگر، حاشیه‌نشینان و درباریان همچون موسیقی دانان، خنیاگران، شکارچیان، چوگان بازان و مهتران بودند. با اینکه این مضامین جنبه‌های واقعی زندگی درباری را جلوه‌گر می‌ساخت، دربار و قدرت آن به گونه‌ای رمز آمیز نیز بازنمایی می‌شد؛ یعنی شیرها، گریفین‌ها و طاووس‌ها ناقل مفاهیم درباری بودند و گربه‌سانان، عقابان و یا بازهایی به حیوانات ذلیل همچون وزراب‌ها و ماران (گرچه اغلب شوم و بدشگون) حمله ور می‌شدند (اتینگهاوزن، ۱۳۷۸، ۵۰۰ ـ ۶۹۵).

از ویژگی‌های دیگر این دوره، در کنار کاربرد وسیع تصویر و پیکره، پرمایگی غنای تزئین بود. آشکار است که هنرمند این روزگار با هم کناری محض نقوش ساده و یا تلفیق موزون آنها ارضا نمی‌شده است. یکی از پیشرفت‌های عمده این دوران، خلق اشکال در هم تافته با پیچیدگی بیشتر و تراکم متغیر و کشش زیاد بود. حتی طرح‌های کم اهمیت تزیینی (در کسوت اسلیمی‌های مارپیچ و شاخ و برگ‌های گیاهی) در تلفیق مکرر با نقشمایه‌های عمده (مثل کتیبه نگاری‌ها و افریزهای حیوانی) اغلب در انبوهی از عناصر ریز پیچشی فرو می‌رفت بطوریکه به کل طرح حالت درخشان و پرشوری می بخشید.

غنی‌سازی و پرمایگی دامنه رنگ‌ها هم از نوآوری‌های دیگر این دوره است و این غنی سازی در غنای انگیزه‌های به کار رفته در سفالگری، منسوجات و خاتم کاریهای اشیاء نقره‌ای، مسی، طلایی، و حتی پایه اشیاء فلزی دیده می‌شود. لازم به یادآوری است رواج تصاویر غنی و متراکم بر روی ظروف و یا سایر اشیاء تا به جایی ادامه پیدا کرد که به محو شکل ظاهری آنها انجامید و حتی کار بدانجا رسید که برای بیننده چندان قابل فهم نبود. این مسأله، بویژه در طرح‌های سفالینه زرین فام، نمود بیشتری داشت چرا که درخشندگی مضاعف، آن تصاویر را از حیطهٔ دید بیشتر پنهان می‌کرد (حمزه لو، ۱۳۸۱).

بی‌علاقگی به شکل‌های توپر در سایر اجراها و پردازش‌های سرگرم‌کننده جلوه یافت تا جائیکه دگردیسی شکل‌های اصلی را پیش آورد. ظروف سفالینه یا فلزی زیادی به شکل حیوانات و یا موجودات انسان نما ساخته می شد و کتیبه‌های اشیاء به گونه‌ای با انسان صحبت و یا بیان احساسات می‌کردند که گویی موجودات انسانی هستند. در نهایت استفاده از نقوش قرینه نیز یکی دیگر از مشخصات آن دوران است که در تصاویر مورد بررسی ملاحظه می‌شود.

◆ جنبه‌های زیباشناختی نقش پرنده

نقوش پرنده با جزئیات بیش‌تر و شکل واقعی‌تر در دورهٔ سلجوقی در حقیقت ادامه سنت آل بویه است. ترسیم پرنده با راستای عمودی و تعادل ناپایدار از ابداعات این دوران است که توجه به شکل شانه بال فزونی گرفته و به مرور این بخش به یک قاب تزئینی مجزا تبدیل می‌شود. ترکیب میان شکل پرنده و قاب به اوج می‌رسد و شکل پرنده حتی با وجود تحریف با ابعاد کادر انطباق مطلق می‌یابد. همچنین نمای سه‌رخ در این دوره افزایش یافته و تلاش‌هایی در جهت واقع‌نمایی را شاهد هستیم (فتحی، ۱۳۸۸، ۴۷).

بسیاری از هنرمندان این دوره سعی در نمایش انتزاعی از درک واقع‌گرایانه خود دارند و پرندگان را از حیث طراحی به گونه‌ای انتزاعی و بدیع خلق نمودند که قدرت خاص و اعجاب‌انگیزی با توجه به زمان ساخت آثار دارند در این آثار خطوط محکم و در عین حال با نرمی و قوس ملایم و هموار توأم هستند. از طرف دیگر مطابق بسیاری از آثار دوره سلجوقی طرح‌ها به دایره بودن زمینه با کشیدن خطی محاطی در لبهٔ ظرف توجه خاصی نشان داده که در واقع عرصهٔ قدرت نمایی پرنده است. آسمان که مظهر پاکی است با نماد دایره به پرندگان متصل شده، که می‌تواند معانی بسیاری را به ذهن متبادر کند. در درجهٔ اول وجهٔ کاربردی ظرف را تحت تأثیر پاکی آسمان متبرک و همچنین غذایی که در آن استفاده می‌گردد. این زمینهٔ ذهنی به تکرار در آثار قدیمی ایران حضور دارد (وصال، ۱۳۸۶، ۹۱ و ۹۲). بطورکلی نقوش تزئینی در فرهنگ ایرانی و هنر سلجوقی جایگاهی فراتر از زیبایی ظاهری دارد؛ اگرچه جلوهٔ زیبا در آثار هنری خود یکی از شاخصه‌های مهم هنر است و سهم بالایی در ارزش بخشی والاتر به آن دارد. هر نقش علاوه بر رنگ و شکل، دارای معانی مختلفی می‌باشد و بار معنایی نقوش بکار رفته در هنر درونگرای سلجوقی را جنبه رمزگرایی و نمادین آن به دوش می‌کشد که ضمن تلفیق با مبانی اندیشهٔ اسلامی به کمال می‌رسد و تأثیر غیر قابل انکاری در شکوفایی و ماندگاری هنر ایرانی دارد. ناگفته نماند بکارگیری نقوش

Archive of SID

www.SID.ir

پرنده در هنرهای مختلف بطور حتم تحت تأثیر موضوع داستانی، اساطیری و باورهای اعتقادی هنرمند نیز قرار می‌گیرد. در مجموع می‌توان گفت در هنر دورهٔ سلجوقی توازن میان اتصال و انفصال به اشکال مختلف به حد کمال رسید و نقوش پرنده با توجه به نوع ساده‌سازی و بیان هندسی، زمینه‌های زیبایی‌شناختی خاص خود را در هنر سلجوقی ایجاد کرده است.

◆ پرنده استعاره ای از روح و جان

آنچه در رابطه با بررسی نقش پرنده در فرهنگ و اعتقادات ایرانیان، مورد توجه است دلیل رابطهٔ پرنده با آدم و آفرینش این گونه آثار ادبی و هنری در ایران است و از ریشه‌هایی صحبت می‌کند که اصل توجه به پرنده را در آرزوهای انسانی، یا خوش‌یمنی پرنده را در باورها روشن می‌کند و با اشاراتی به ادبیات و تاریخ، در واقع استعاره پرنده از روح آدمی را بررسی می‌نماید. یادآوری می‌شود که در داستان‌های رمزی برای نمایاندن اشیاء و شخصیت‌های ماورایی یا تجارب مافوق درک عادی انسان از صفات خاص و غالب برخی از شخصیت‌ها و اشیاء محسوس به عنوان رمز و نماد استفاده می‌شود (زمردی، ۱۳۷۴، ۳۶).

روح نیز به عنوان یک واقعیت در برخی از آثار صوفیه و حکماء الهی، تمثیل‌های متنوعی یافته است و بیش از همه تمثیل آن به مرغی که در قفس تن اسیر شده، مورد توجه قرار گرفته است و این تمثیل در ادبیات عرفانی سابقه‌ای طولانی دارد. مرغ در داستان، نماد جان است و این نمادی باستانی است که در فرهنگ کهن و در دبستان‌های راز، جان را مرغ انگاشته‌اند؛ مرغی که در قفس تن گرفتار آمده است.

پرندگان در وهلهٔ نخست تجلّی خدایان و ارواح هستند. در عین حال آنان در قالب پیام‌آوران موجودات الهی و یا بهشتی نیز ظاهر می‌گردند. آنها پیشاپیش به معرفی راه‌ها و شرایط نوین می‌پردازند و سمت راهنما را عهده‌دار می‌گردند به علاوه پرندگان به روح و روان انسان‌ها دلالت دارند، مادام که روح از جسم چه در آستانهٔ مرگ و چه در خلسه رها گردیده باشد. همچنین پرنده مظهر آزادی مطلق، برتری روح بر جسم و نماد رجحان روان به هر آنچه زمینی است، در نظر گرفته می‌شود. از این رو پرنده اغلب با اولویت ابدیت، قدرت، پیروزی، جلال و جبروت پیوند دارد. به طور مثال تصویر۱ نقش پرنده‌ای را نشان می‌دهد که در داخل بشقاب سفالین حکاکی شده است. در این تصویر پرنده به صورت نیم‌رخ در وسط ظرف قرار گرفته است و نقوشی از گیاهان اسلیمی دورتادور پرنده نقش بسته است. لبهٔ بیرونی ظرف نیز با استفاده از نقوش گیاهی تزیین یافته است. از لحاظ ساختار تصویری نوعی ساده‌سازی در تصویر دیده می‌شود. استفاده از لعاب تک‌رنگ در تصویر این سادگی را بیشتر نموده و خطوط دورتادور طرح پرنده بارزتر می‌شود. بسیاری از طرح‌ها زراندود شده و درحالی که قلم‌گیری با خطوط سرخ تیره تقویت شده، روی لعاب نقاشی شده‌اند (پوپ، ۱۳۸۷، ۱۷۶۲).

تصویر۱: بشقاب حکاکی شده، قطر ۲۵/۵ سانتیمتر، سده ۵ یا ۶ هجری (پوپ، ۱۳۸۷، جلد نهم، ۵۹۷)

نکتهٔ دیگر آن است که در این دوره توازن میان اتصال و انفصال به شکل‌های مختلف به حد کمال می‌رسد و نقشمایه‌ها پرقدرت، سرزنده تر و چشمگیر می‌شوند. ضمن اینکه با حرکت متنوع‌تری همراه شده و پس‌زمینه شاخ و برگ مارپیچ از دیگر جنبه‌هایی است که در این دوره با الگوهای تازه‌ای از نقش و نگار پدیدار می‌شوند. مصداق این موضوع را به فراوانی می‌توان در نگاره‌های مربوط به هنرهای مختلف عصر سلجوقی مشاهده کرد. تصویر۲ زمینهٔ پارچه آبی‌رنگ با نقش‌های به رنگ سفید و قرمز را نشان می‌دهد که با استفاده از نگاره‌های یک جفت پرنده که به طور قرینه روبه‌روی هم در میان طرح گیاهان پیچکی قرار دارند، تزئین شده است و تصویر ۳ آرایه‌های کنده‌کاری شده از پرندگان روبروی هم را در یک نمونه بشقاب مفرغی نشان می‌دهد که در آن نقوش حکاکی شده بر گرد نقشمایه‌ای مرکزی قرار گرفته‌اند.

تصویر ۲: پارچه ساتن آبی با نقوش سفید و قرمز، بلندی پرندگان ۵/۸ سانتیمتر، سده ۶ تا ۷هجری (خزائی، ۱۳۷۲، ۱۵۱)

Archive of SID
www.SID.ir

تصویر ۳: آرایه کنده کاری شده از پرندگان روبروی هم در یک نمونه بشقاب مفرغی، سده ۶ و ۷هجری (خزائی ۱۳۷۲، ۱۰۱)

در تصویر ۴ نیز ساده‌سازی و بیان هندسی مورد اشاره دیده می‌شود. تصویر عقابی حجیم و قوی که در وسط ظرف قرار گرفته و بالهایش را گشوده و تمام ظرف را پرکرده است. بدن و بالها از روبرو تصویر شده و سر از نیم‌رخ تصویر شده است. تزئینات مارپیچ در داخل بال‌ها وبدن عقاب نقش بسته است. داخل بدن پرنده (عقاب) با نقوش هندسی ساده تزئین شده و پس زمینه نیز با نقوش پیچان پر شده است. تصویرسازی عقاب در حد یک نشان خانوادگی است که به شدت تحت تأثیر سنت اشرافی می‌باشد و واضح است ترسیم این عقاب با زحمت انجام گرفته و از لعاب کم مایه استفاده شده است.

تصویر ۴ :کاسه چند رنگ مشهور به سفالینه لعابدار آق کند، موزه ویکتوریا و آلبرت، قطر ۲۵/۴ سانتی متر، سده ۵ هجری (پوپ، ۱۳۸۷، جلد نهم، ۶۱۱)

در این دوره رنگ‌ها غنی و قوی و نیز نقش‌های دارای کیفیتی اسطوره‌ای و حماسی رایج است. آنچنانکه در بسیاری موارد ادامه سبک توانمند ساسانی را تداعی می‌کند (پوپ، ۱۳۸۷، ۱۷۷۰).

در تصویر ۵ نیز این خصوصیت بطور کامل دیده می‌شود. باز هم تصویر عقاب به صورت یک نشان اشرافی نمایش یافته است. نقشمایه عقاب پر از احساس قدرت و زورمندی ترسیم شده است. ترسیم این عقاب حالتی انتزاعی و گرافیکی دارد که به صورت خلاصه و ساده بیان شده به اضافه اینکه قدری از خطوط خشن و ابتدایی و نیز از نقوش هندسی ساده برای تزئین دور ظرف استفاده شده است.

تصویر ۵: کاسه سفالینه نقش کنده (شالوه) ناحیه گروس، قطر ۲۷ سانتی متر، سده ۵ هجری (پوپ، ۱۳۸۷، جلد نهم، ۶۱۲)

تصویرهای۶ و ۷ نقشمایه پارچه ابریشمی را به صورت نقوش دو پرنده ایستاده در دو طرف یک درخت نشان می‌دهند. نگاره‌ها خیلی ساده و هندسی و پرندگان به صورت قرینه در دو طرف درخت به صورت نیم‌رخ ترسیم شده‌اند. کل طرح از دو حاشیه بالا و پایین تشکیل شده که در کادری مستطیل شکل با زمینهٔ آبی رنگ و نقوش سفید آذین گردیده است (همان منبع، ۲۳۴۴).

تصویر۶: پارچه ابریشمی اریب بافته شده در ری، سده ۶ یا ۷ هجری (خزائی، ۱۳۷۲، ۱۳۶)

تصویر۷: پارچه ابریشمی اریب بافته شده در ری، سده ۶ یا ۷ هجری (خزائی، ۱۳۷۲، ۱۳۶)

www.SID.ir

در تصویر ۸ پرندگان ترسیم شده روی پارچه نیز به صورت قرینه و نیم‌رخ روبروی هم آمده است. زمینهٔ پارچه به رنگ کرم و نقش‌ها به رنگ قرمز و آبی تیره می‌باشد. همچنین قاب‌های تخم مرغی شکل با دو جفت غاز که هر کدام روبروی هم در میان نقش‌های گیاهی قرار گرفته‌اند، این پارچه را تزیین کرده است (همان منبع، ۲۵۵).

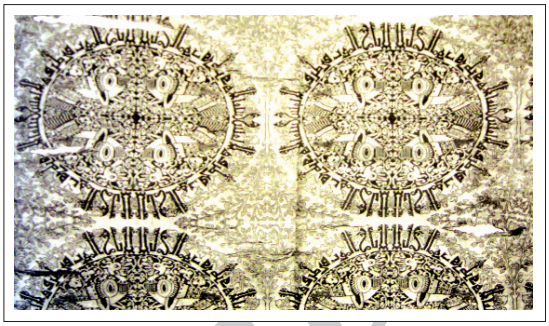

تصویر ۸: پارچه پشم و ابریشم، نیلی و زرد، طول ۶۰ سانتی متر، سده ۶ هجری (پوپ، ۱۳۸۰، ۱۳۷)

همانطور که پیشتر بیان شد و ملاحظه می شود در دورهٔ تاریخی مورد بحث توازن میان اتصال و انفصال در شکل‌های مختلف آن به حد کمال رسید. در نقش فوق‌الذکر ترنج باستانی دورهٔ ساسانی به عنوان واحد طرح حفظ شده و شاخ و برگ‌هایی لوزی شکل میان ترنج‌ها را در برگرفته و نیز کتیبهٔ کوفی به جای حاشیه دور ترنج را محصور می‌کند. بدن غازها به اجزاء ساده‌تری تقسیم‌بندی شده است و نقوش ساده هندسی بر روی گردن و بال‌های آنها به صورت خطی دیده می‌شود. پرنده‌ها به صورت معکوس ترسیم شده‌اند و قاب تخم‌مرغی یا بیضی شکل به چهار قسمت تقسیم شده است و در مجموع ترکیب‌بندی دارای تقارن مرکزی می‌باشد (پوپ، ۱۳۸۰، ۱۰۰).

نگاره‌های ابریشمی در عصر سلجوقی شامل شمسه‌های درشت هستند و درون شان تصاویر پرندگان بزرگی قرار دارد که برخی با خطوط کوفی تزئین یافته‌اند. طرح پارچه‌ها جنبه ترسیمی دارد و ملهم از دورهٔ آل بویه بود (پوپ، ۱۳۸۴، ۱۲۵). از نکات مهم در نقوش منسوجات این دوران می‌توان به مضامین شاعرانه و مناظر، افزایش جزئیات و حالت ترکیب مضاعف نقوش هندسی، ترکیب نقوش و ترکیب‌بندی هندسی حاشیه‌ها، شکل‌های اسلیمی دارای تراکم گوناگون برگرفته از هنر چین و نقوش و علایم سلطنتی و نمادهای خانوادگی اشاره کرد. به ویژه نقش پرندگان به احتمال زیاد با همان معانی نمادین و تا حدی بر گرفته از نشانه‌های خانوادگی و برخی نقوش چینی آمده است (فتحی، ۱۳۸۸، ۴۶). پرنده با جزئیات بیشتر و شکل واقعی در این دوران و در ادامه سنت آل بویه دیده می‌شود. ترسیم پرنده با راستای عمودی و تعادل ناپایدار از ابداعات این دوران است که توجه به شکل شانه بال فزونی گرفته و به مرور این بخش به یک قاب تزئینی مجزا تبدیل می‌شود. ترکیب میان شکل پرنده و قاب به اوج می‌رسد و شکل پرنده حتی با وجود تحریف با ابعاد کادر انطباق مطلق می‌یابد. نمای سه‌رخ در این دوره افزایش یافته و تلاش‌هایی در جهت واقع‌نمایی را شاهد هستیم (خزائی، ۱۳۷۲، ۱۳۶).

به این ترتیب بررسی آثار عصر سلجوقی نشان می‌دهد که عناصر بصری (شکل، خط و رنگ) در ترکیب با هم موجب ایجاد ظرافت‌های هنر درون‌گرا و بی‌پیرایه سلجوقی شده است. به طور مثال از آثار سفالینه های باقیمانده در منطقه آق کند. مطابق تصویر ۹، تصویر کبوتری را می‌بینیم که به صورت خطی و روان حک شده است این پرنده در وسط کاسه‌ای دایره شکل لعابدار ترسیم شده است. پرنده‌ای که به صورت نیم‌رخ به روی ظرف قرار گرفته و در پس زمینه از برگ‌های پیچان پر شده است.

تصویر ۹: کاسه چند رنگ مشهور به سفالینه لعابدار آق کند، قطر ۳۲/۴ سانتی متر، سده ۵ هجری(پوپ، ۱۳۸۷، جلد نهم، ۶۱۰)

رنگ‌ها غنی و قوی و نقش‌ها دارای کیفیتی اسطوره‌ای و حماسی هستند و تداوم سبک ساسانی در آنها دیده می‌شود. نکته دیگر آنکه تصاویر در داخل کادری دایره‌ای شکل محصور شده و عناصر بصری خط و شکل و رنگ در آن بارزتر شده است. همچنانکه استفاده از نقوش پرندگان در دورهٔ سلجوقی رواج می یابد هنرمند در این مضامین از الگویی ازلی و نه از صور محسوس بهره می‌جوید ضمن اینکه نقوش به صورت ساده و انتزاعی طراحی می‌شوند و گواهی می‌دهند که این نقوش به دلایل اعتقادی آشنای ذهن هنرمند و دل مشغولی او بوده که توانسته خود را چنین آشنا و بی‌پیرایه ارائه دهد. هنرمند عصر سلجوقی در آثار خود سعی در نمایش انتزاعی از درک واقع‌گرایانه خود دارد و پرندگان را از حیث طراحی به گونه‌ای انتزاعی و بدیع خلق نموده که قدرت خاص و اعجاب‌انگیزی با توجه به زمان خلع اثر دارد. ضمن اینکه خطوط محکم و در عین حال با نرمی و قوس ملایم و هموار توأم هستند.

Archive of SID
www.SID.ir

در این دوره طراح به دایره‌بودن زمینه با کشیدن خط محاطی در لبه ظروف توجه خاصی نشان می‌دهد که در واقع عرصهٔ قدرت نمایی پرنده است. آسمان که مظهر پاکی است با نماد دایره به پرندگان متصل شده و می‌تواند معانی بسیاری را به ذهن متبادر کند. در درجهٔ اول گویای وجه کاربردی ظروف را تحت تأثیر پاکی آسمان متبرک و نیز غذایی که در آن استفاده می‌گردد. این زمینهٔ ذهنی به تکرار در آثار قدیمی ایران حضور دارد (وصال، ۱۳۸۶، ۹۱ و ۹۲) این ویژگی ترکیب‌بندی و خطوط در تصویر ۱۰ نیز دیده می‌شود.

تصویر: ۱۰ کاسه چند رنگ مشهور به سفالینه لعابدار آق کند، قطر ۲۸سانتی متر، سده ۵ هجری (پوپ، ۱۳۸۷، جلد نهم، ۶۱۰)

در این بشقاب سفالین قوی و باوقاری به سبک ساسانی، در حالتی متکبرانه، با اطمینان وافر و متانت در رنگ و ترکیب با پس زمینه پیوند خورده است. هماهنگی رنگمایه ها، ظرافت و تغییر لعاب درخشان در سراسر نقش کیفیتی زیبا و گیج کننده را آشکار می‌سازد. درخشش ملایم طلایی لعاب زرین فام، این قوی مغرور را در تشعشعی غیر واقعی، روح غالب بر آن را واقعی تر نشان می‌دهد (پوپ، ۱۳۸۶، ۱۷۷۰).

همانطور که پیشتر نیز بیان شد استفاده از خطوط محکم و در عین حال با نرمی و قوس ملایم در آثار دیده می‌شود برگ‌های پیچان و مواجی که در لابه‌لای تصویر به طوری که پشت زمینه را پر کرده است آمده است و قرار گرفتن تصویر در داخل کادر دایره‌ای حالتی آسمانی به طرح می‌بخشد و در لبه خارجی ظرف نیز از خطوط شکسته استفاده شده است. نکته دیگر اینکه در نقش بندی داخلی قو از خطوط ساده منحنی استفاده شده است و داخل پس‌زمینه نیز از نقاط ریز برای پر کردن تصویر استفاده شده است.

تصاویر هنری عهد سلجوقی در اوج سادگی به صورت خلاصه و انتزاعی ترسیم می‌شدند. رنگ‌های ظروف بطور عمده آبی پر رنگ، سبز تند یا قهوه‌ای، طلایی زیبا و یا زرد روشن است که با لعابی تمام ظرف را در شفافیتی ملایمی می‌پوشاند. این خصوصیت عناصر دیداری در تصویر ۱۱ دیده می‌شود.

تصویر ۱۱: کاسه چند رنگ مشهور به سفالینه لعابدار آق کند، قطر ۲۸سانتی متر، سده ۵ هجری (پوپ، ۱۳۸۷، جلد نهم، ۶۰۷)

تصویر ۱۲ کاسه منقوش و نقاشی شده از منطقه آمل را نشان می‌دهد که در موزه لوور نگهداری می‌شود. در این تصویر دو عقاب را می‌بینیم که از تکنیک نقش کنده بر روی کاسه‌ای سفالین استفاده شده است. دو عقاب روبروی هم به صورت نیم‌رخ طراحی شده‌اند به طوری که دور تا دور این نقوش از خطوط ظریف و داخل بدن و بال‌هایشان از خطوط ریز مواج استفاده شده است و بینشان نواری عمودی با طرح‌های پیچان قرار گرفته است. در پس زمینه تصویر هم از خطوط هاشوری منظم و مخطط استفاده شده است که نمادی از آسمان می‌باشد. همچنین در کادر خارجی ظرف نیز از نقوش منحنی و دایره شکل استفاده شده است. پوپ در کتاب سیر هنرهای ایران می‌نویسد:

> تصاویر عقاب‌ها کاملاً هماهنگ با سلیقه محلی بوده است. رنگ سبز عمدتاً برای زمینه‌های هاشور زده به کار رفته است و جنبه نیرومند این نقش‌ها تفکیک زمینه به بخش‌های متفاوت و حرکت‌های تند، بی‌اعتنایی دلیرانه مشهود، و اشتیاق به طرح قوی نامنظم می‌باشد که آشکارا از سفالگران آمل الهام گرفته شده است. نکته دیگر اینکه بسیاری از نقش‌های طرح تجریدی خطوط، نقش ساده شده امواج را به نظر می‌آورند و تمام نقشمایه‌ها مناسب مناطق ساحلی می‌باشد.

تصویر ۱۲: کاسه، منقور و نقاشی شده، موزه لور، قطر ۳۱سانتی متر، سده ۶ یا ۷ هجری (پوپ، ۱۳۸۷، جلد نهم، ۶۲۰)

Archive of SID

www.SID.ir

تصویر ۱۳ بچه عقاب مغروری را نشان می‌دهد که روی بشقابی دایره‌ای شکل ترسیم شده است. در ترسیم این عقاب از خطوط قوی و سیال استفاده شده است. تغییری که در ترسیم این عقاب ایجاد شده بیرون آمدن پاهای عقاب از کادر دایره ای بشقاب است که ترکیبی متفاوت نسبت به طرح‌های قبل دارد. بدن و پاها تقریباً به صورت سه رخ ترسیم شده و چهره نیز به حالت نیم‌رخ کار شده است. همچنین ترسیم بال‌ها و نقوش گردن با استفاده از خطوط منحنی و مستقیم صورت گرفته و در پس‌زمینه بشقاب نیز از نقوش گیاهان اسلیمی استفاده شده است. گویی این نقوش بر روی صورت عقاب هم پیچیده است. دورتادور ظرف هم از نقوش گیاهی استفاده شده است که داخل نوارهایی دور ظرف واقع شده‌اند و کادر بیرونی نیز با خطوط دالبر تزئین یافته است.

پوپ می‌نویسد:

> بچه عقاب مغرور روی بشقاب موزه ملی برلین پاها را در نوارهای دایره وار فرو برده که احساس وزن و قدرت آن را افزایش داده است، لازم به یادآوری است که قرار دادن پیکره در نوارها فقط برای نمایش دادن آن به صورت غالب بار دیگر پس از آن در تزئین سفالینه‌ری ظاهر می‌شود (پوپ، ۱۳۸۶، ۱۷۸۹).

تصویر ۱۳ : بشقاب نقاشی شده زرین فام، ری، قطر ۳۰سانتی متر، سده ۶ یا ۷ هجری (پوپ، ۱۳۸۷، جلد نهم، ۶۳۴)

نتیجه‌گیری

نظر به این که در دوران سلجوقی نقش پرنده بر اساس موضوعات داستانی و باورهای اعتقادی آنها صورت می‌گرفته است، رابطه پرنده در آثار ادبی و هنری ایرا ن ریشه‌هایی از اصل توجه به پرنده در آرزوهای انسانی، یا خوش یمنی پرنده در باورها، یا استعاره در روح آدمی دارد. و ازآن به عنوان رمز و نمادی برای تجلی ارواح و خدایان، شخصیت‌های ماورائی و تجارب مافوق درک عادی انسان و نیز مظهر آزادی در قالب اشیاءیا اشخاص استفاده می‌شود. پس دور از ذهن نیست که هنرمند، نقش نمادین پرنده را در کنار نقش انسان که خویش را لازمهٔ وجود مفاهیم دیده و محوریت خویش را در بسیاری از اساطیر و نقوش حفظ کرده قرار دهد و این نقوش انسانی گویای حضور والای آدمی و نوع نگارش وی در جهان است.

نقش پرنده در هنر سلجوقی زمینه‌های زیباسازی خاص خود را در نوعی ساده‌سازی و بیان هندسی ایجاد کرده است. در این دوران خواه این نقوش در ظروف سفالی با نقش دو پرنده که به صورت نیم‌رخ در وسط ظرف با گیاهان اسلیمی در دور تا دورش و نقوش گیاهی در لبه بیرونی آن، یا تصویر عقابی حجیم و قوی با بال‌های گشوده و تزئینات هندسی داخل بدنش و یا نقوش به کار رفته در پارچه‌های آن دوران نظیر قرار گرفتن دو پرنده به صورت قرینه روبه روی هم که در قالب تخم‌مرغی جای داده شده‌اند، در تمامی این آثار عناصر بصری (خط، شکل و رنگ) در ترکیب با هم موجب ایجاد ظرافت‌های هنر درونگرا و بی پیرایه سلجوقی شده است و با رنگ‌های غنی و قوی، نقش‌ها دارای کیفیتی اسطوره‌ای و حماسی هستند. در این آثار خطوط محکم و در عین حال با نرمی و قوس ملایم دیده می‌شود و در بسیاری از این تصاویر برگ‌های پیچان و مواج که در لابه‌لای تصویر آمده، پس زمینه را پر کرده، که اکثر این تصاویر در داخل کادری دایره حالتی آسمانی به طرح می‌بخشند.

فهرست منابع

۱- پوپ، آرتوراپهام، آکرمن، فیلیپس، **سیری در هنر ایران**، ترجمهٔ: نجف دریابندری و دیگران، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، جلد سوم ، پنجم، ششم، نهم، چاپ اول، ۱۳۸۷.

۲- پوپ، آرتوراپهام، آکرمن، فیلیپس، **شاهکارهای هنر ایران**، اقتباس و نگارش پرویز ناتل خانلری، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم، ۱۳۸۰.

۳- اتینگهاوزن، ریچارد، گرابر، الگ، **هنر و معماری اسلامی** (۱)، ترجمهٔ: یعقوب آژند، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۷۸.

۴- بازورث و دیگران، **سلجوقیان**، ترجمهٔ: یعقوب آژند، تهران، نشر مولی، چاپ اول، ۱۳۸۰.

۵- لمبتن،آن، **تداوم و تحول در تاریخ میانه ایران**، ترجمهٔ: یعقوب آژند، تهران، نشر نی، چاپ سوم، ۱۳۸۰.

۶- پاکباز، رویین، **نقاشی ایران از دیر باز تا امروز**، تهران، نشر زرین و سیمین، چاپ ششم، ۱۳۸۶.

۷- کاتلی، مارگریتا، هامبلی، لویی، **تاریخ هنر ایران**، ترجمهٔ: یعقوب آژند، تهران، نشرمولی، چاپ اول، ۱۳۷۶.

۸ طبری، **تاریخ طبری**، تهران، نشر اساطیر، جلد دوم، ۱۳۵۶.

۹- دادور، ابوالقاسم، **اسطوره‌ها و نمادهای ایران و هند**، تهران، نشر دانشگاه الزهراء ، ۱۳۸۶.

۱۰- خزائی، محمد، **هزار نقش**، تهران، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۲.

۱۱- وصال، زینب، **بررسی نقش پرنده در سالن سفال دوران اسلامی موزهٔ ملی ایران**، کتاب ماه، شماره ۸۶، ۱۳۸۶.

۱۲- فتحی، لیلا، فربود، فریناز، **سیر تحول نقوش پرنده و موجودات اساطیری بالدار در منسوجات آل بویه و سلجوقی**، فصلنامه نگره، شماره ۱۲، ۱۳۸۵.

۱۳- حمزه‌لو، منوچهر، **نقوش ظروف سفالی ایران در دورهٔ سلجوقی**، کتاب ماه هنر، شماره۸۶، ۱۳۸۱.

Archive of SID
www.SID.ir